

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران جهان!

اول ماه مه یادآور سنت جهانی جنبش کارگری است که هر ساله به نشانه همبستگی طبقاتی کارگران در سراسر جهان جشن گرفته میشود. در این روز کارگران در سراسر این کره خاکی گرد هم میایند تا با طرح مطالبات سیاسی اقتصادی کيفر خواست خود را علیه نظام سرمایه داری اعلام داشته و عزم خود را برای ایجاد نظامی مرفه و آزاد عاری از هر گونه بیعدالتی، فقر، بیکاری، ستم، سرکوب، سلطه و استثمار استوارتر کنند. اهمیت و نقش کارگران در نظام تولیدی جامعه سرمایه داری پس از انقلاب صنعتی در اروپا بود که برجستگی یافت و از این زمان به بعد بود که به عنوان یک طبقه اجتماعی نقش اساسی برای تغییر وضعیت موجود را کسب کردند.

سالی که گذشت برای کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان سالی پر مشقت و پر بیم و امید بود. از یکسو جامعه سرمایه داری با بحران عمیق اقتصادی - مالی دست و پنجه نرم میکرد و در نتیجه این بحران بخشی از دولتهای سرمایه با کسری شدید بودجه مواجه شده و تا مرز ورشکستگی پیش رفتند. بطوریکه برای نجات خویش مجبور شدند دست کمک به سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دراز کنند. از سوی دیگر خسارات و فشار ناشی از سرشکن شدن بهره بانکی این کسریها فشار روز افزونی را به سطح زندگی کارگران و زحمتکشان کشورهای مقروض تحمیل کرد. علاوه بر اینها پیشبرد سیاست های نئولیبرالیستی، منجر به افزایش بیکاری، گرانی سرسام آور، تعطیلی کارخانجات، اخراج کارگران، خصوصی سازیها، کارهای پاره وقت و قراردادهای موقت گردید. تبعات این سیاستها با تشدید فقر، سرکوب، اختناق سیاسی و هجوم بورژوازی به سطح معیشت کارگران وزحمتکشان همراه شد. کارگران اما ساکت نماندند. در گوشه و کنار این جهان سرمایه، کارگران با اعتصابات تظاهرات و شورش های عظیم خیابانی حاکمان سرمایه را به مصاف طلبیدند. مقاومت البته اشکال گوناگونی داشت. در یونان با شورشهای خیابانی علیه سیاستهای نئولیبرالی دولت شروع شد و در فرانسه کارگران به اعتصاب گسترده دست زدند، در سایر کشورهای اروپایی اعتراضات مشابه صورت گرفت. اما در کشورهای شمال آفریقا و خاور میانه مقاومت بصورت جنبش گسترده توده ای هم استبداد سیاسی حاکم و هم سیاستهای نئولیبرالی و نهایتاً قدرت سیاسی حاکم را نشانه گرفت. ولی برغم مقاومت ستودنی توده ای در شمال آفریقا و خاورمیانه سیر رویدادهای انقلابی نشان میدهد فقدان تدارک و عدم حضور متشکل کارگران در صحنه موجب میشود که جناحهای مختلف بورژوازی براحتی جنبشهای اعتراضی را تحت کنترل و تسخیر خود در آورند. نمونه لیبی گویای این مساله است. اگر چه در مصر و تونس مبارزه هنوز جریان دارد.

رویدادهای سال گذشته در ایران اما نمودار واقعی زندگی کارگران را وخیم تر از بقیه حوزه های تحت حاکمیت سرمایه به نمایش گذاشت. در حالیکه دولت و کارفرمایان از بازپرداخت حقوق معوقه کارگران که در بخشی از واحدهای کارگری به بیش از ۴۰ ماه هم میرسد همچنان طفره میروند، سرمایه داران بنا به روابط ذاتی نظام سرمایه داری فشارهای بازهم بیشتری را به کارگران وارد میکنند. بموازات فقر و مسکن عمومی، بیکاری گسترده، حذف سوبسیدهای دولتی تحت پوشش هدفمند کردن یارانه ها، تورم لجام گسیخته، سرکوب و خفقان سیستماتیک دولتی، دستگیری فعالین و رهبران کارگری، صدور احکام طولانی مدت زندان برای دستگیرشدگان و جوه دیگری از تعرض بورژوازی به طبقه کارگر در ایران بوده است. اینهمه در حالی است که سطح دستمزدها برای سال جاری ۳۳۰ هزار تومان در نظر گرفته شده و این مبلغ نه تنها هیچ تناسبی با سطح تورم قیمتها ندارد بلکه کفاف حداقل مخارج زندگی یک خانوار ۴ نفره را هم نمیدهد. با این وجود پاسخ کارگران در برابر این تعرضات در اشکال متفاوتی بروز کرده است. اشکال اعتراض کارگران از

راهبندان گرفته تا اعتصاب، تجمع اعتراضی تا طومار نویسی و راهپیمایی در مقابل دفاتر و ادارات دولتی را شامل شده است. تلاش و مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد و بازپس گیری حقوق معوقه، تلاش برای لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، حذف شرکتهای واسطه ای محورهای اصلی مبارزات آنان در سال گذشته را تشکیل میدهد. در کنار آن مبارزه برای حق تشکلهای مستقل و حق اعتراض و همچنین مبارزه برای تحمیل روز کارگر به رژیم و برسمیت شناختن آن به عنوان روز تعطیل، جنبه های دیگری از مبارزات کارگران در ایران را در بر میگرفت.

رفقای کارگر!

قطعا برای پایان بخشیدن به نظام سرمایه داری که تنها مبتنی برافزایش استثمار و کسب سود هر چه بیشتر از شماسست، دنیای دیگری امکاتپذیر است. مبارزه برای رسیدن به چنین دنیایی اما در گرو حق تشکل و آگاهی طبقاتی و تدارک و سازماندهی این مبارزه در پیوند با هم سرنوشتان خود در سطح جهان است. تنها در پرتومبارزه مشترک و همبستگی طبقاتی بین المللی و در تلفیق اشکال مبارزه مخفی و علنی است که سطح مبارزه ارتقاء مییابد و دستیابی به مطالبات تسهیل میشود. قطعا نوع و اشکال مبارزه را نوع حاکمیت سیاسی، موقعیت ویژه هر کشور و سطح آگاهی و سازمانیانی جنبش های اجتماعی تعیین میکنند. بکوشیم با شناخت دیالکتیک مبارزه صفوف خودرا متشکل کنیم و مبارزه برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را به مساله تدارک برای کسب قدرت سیاسی و دولت شورایی در جهت رفاه، آزادی و سوسیالیسم گره بزنیم.

زنده باد اول ماه مه!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

کار رفاه آزادی جمهوری شورایی!

زند باد آزادی زنده باد سوسیالیسم!

هسته اقلیت، ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ برابر با ۲ اردیبهشت ۱۳۹۰

www.haste.se